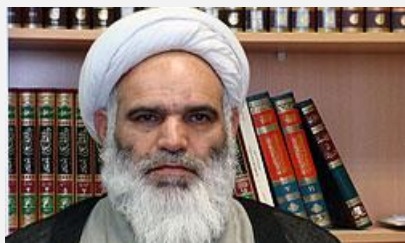


جنیان در بهره‌کشی از انسان‌ها ممنوع شده‌اند



استاد عرفان حوزه علمیه قم با اشاره به آیه «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ» گفت: علامه طباطبایی (ره) چنین تفسیر می‌کند که جنیان در بهره‌کشی از انسان‌ها ممنوع شده‌اند؛ همان‌طور که ما هم نباید جن‌ها را تحت سلطه و سیطره خود بگیریم.

استاد عرفان حوزه علمیه قم با اشاره به آیه «یا مَعْشَرَ الْجِنِّ قَدْ اسْتَكْبَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ» گفت: علامه طباطبایی (ره) چنین تفسیر می‌کند که جنیان در بهره‌کشی از انسان‌ها ممنوع شده‌اند؛ همان‌طور که ما هم نباید جن‌ها را تحت سلطه و سیطره خود بگیریم.

به گزارش خبرنگار آیین و اندیشه فارس، یکی از مسائلی که همواره مورد سؤال مردم قرار می‌گیرد؛ حقیقت وجود جن و شیطان و درستی یا نادرستی ارتباط انسان با اینگونه از موجودات است. برای بررسی این موضوع، گفت‌وگوی مشروحی را با حجت الاسلام والمسلمین حسن رضانی از پژوهشگران و اساتید فلسفه و عرفان حوزه علمیه قم انجام داده‌ایم که متن کامل آن تقدیم می‌شود.

* جن یعنی چه؟ و چه موجودی است؟

– قبل از بحث از وجود جن، بهتر است اشاره‌ای به لفظ و ماده «جن» داشته باشیم. ماده «ج ن ن» دلالت بر خفا و پوشش می‌کند. یعنی هر چیزی که به نوعی پوشیده و مخفی بوده باشد اگر خواستیم از او تعبیر کنیم از این ماده استفاده می‌کنیم. مثلاً به بچه‌ای که در رحم مادر از دیده‌ها پنهان بوده و مخفی در شکم اوست «جنین» می‌گوییم. کسی که روی عقلش پرده‌ای قرار داده شده و عقل او تحت‌الشعاع بوده و پوشیده شده «مجنون» است.

به سیر که انسان، پشت آن مخفی می‌شود «جُتّه» می‌گویند. به آن زمینی که با اشجار و درختان پوشیده شده «جَتّت» می‌گویند. به قلب، «جَنان» می‌گویند چرا که در درون است و ظاهر نیست و مانند این مثالها فراوان است. پس ماده (ج، ن، ن) برای چیزهایی به کار می‌رود که به نوعی مخفی هستند.

یکی از این موارد که همین معنا در آن لحاظ شده، موجودی به نام «جن» است. جن، اسم جنس است برای موجوداتی که از دیده‌های ظاهری، پنهان هستند. جن‌ها هم درک و شعور و فهم دارند و هم قدرت و فعالیت دارند.

این نکته را لازم است تذکر دهم که خیلی از مردم وقتی می‌خواهند «جن» را جمع ببندند می‌گویند: «اجتّه»، در حالی که این تعبیر، اشتباه است. چون «اجنه» جمع «جنین» است نه «جن». قرآن کریم می‌فرماید: «وَإِذْ أَنْتُمْ أُجْتَةُ فِي بُطُونِ أُمَّهَاتِكُمْ»؛ و در آن موقع که به صورت جنین‌هایی در شکم مادرانتان بودید. (نجم/32)

پس به کار بردن کلمه «اجنه» برای جن‌ها غلط است بلکه جمع جن، «جِته» می‌شود. در سوره ناس می‌خوانیم: «مِنَ الْجِنَّةِ وَالنَّاسِ». (ناس/6)

سخن درباره جن‌ها، زیاد است اما با توجه به عمومی بودن این گفت‌وگو، بنده نمی‌خواهم به همه موارد اشاره کنم بلکه تنها به چند مورد که در قرآن کریم آمده بسنده می‌کنم، یکی اینکه قطعا آنها نیز مخلوق خداوند متعال هستند و مانند انسانها مکلفند و برای عبادت و عبودیت و رسیدن به یقین خلق شده‌اند. «وَ مَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ» (من جنّ و انس را نیافریدم جز برای اینکه عبادت کنند [و از این راه تکامل یابند و به من نزدیک شوند]) (ذاریات/56)

جن‌ها از آتش هستند و انسان‌ها از خاک. «وَ خَلَقَ الْجَانَّ مِنْ مَّارِجٍ مِنْ نَارٍ» (و جنّ را از شعله‌های مختلط و متحرک آتش خلق کرد). (الرحمن/15)

در اصطلاح فنی می‌گویند: غلبه خاک بر انسان، زیاد است و غلبه آتش بر جن‌ها.

«جن» بدن عنصری و مادی دارد اما آن چیزی که بیشتر همراه اوست نار و آتش است به تعبیر دیگر جنبه آتشی دارد و شما می‌بینید که حرارت آتش از اشیاء نفوذ می‌کند. اگر در یک طرف شیء، آتش بیفروزید می‌بینید به طرف دیگر آن نفوذ می‌کند و داغ می‌شود. این طرف دیوار آتش روشن کنید، حرارت به آن طرفش نفوذ می‌کند و داغ می‌شود. رمز و راز نفوذ جن از دیوار و موانع سخت این است که غلبه وجودی‌اش با جنبه آتشی است.

اما ما انسان‌ها ترابی هستیم، یعنی از خاک هستیم و لذا بین ما و اشیاء دیگر، تصادم ایجاد می‌شود، به دیوار می‌خوریم و بر می‌گردیم اما جن‌ها از دیوار نفوذ می‌کنند همان‌طور که آتش نفوذ می‌کند و از این جهت، اقتضائاتی برایشان رقم می‌خورد.

به علت اینکه جن‌ها به راحتی از موانع عبور می‌کنند اما ما انسان‌ها نمی‌توانیم این کار را انجام دهیم برخی خود را با آنها مقایسه می‌کنند و نتیجه غلط می‌گیرند که پس جن‌ها قدرت زیادی نسبت به انسان‌ها دارند در حالی که این حالت، اقتضای ذاتشان است نه این که قدرتی بیشتر از ما داشته باشند، اصلاً اقتضای وجودی آنها چنین است. مثل این که پرنده، پرواز می‌کند و انسان در ظاهر نمی‌تواند پرواز کند و این، فضیلت نیست.

«ابلیس» که «شیطان رجیم» لقب گرفته، از گروه جن است. قرآن درباره‌اش می‌فرماید: «وَإِذْ قُلْنَا لِلْمَلَائِكَةِ اسْجُدُوا لِآدَمَ فَسَجَدُوا إِلَّا إِبْلِيسَ كَانَ مِنَ الْجِنِّ»؛ به یاد آرید زمانی را که به فرشتگان گفتیم: «برای آدم سجده کنید!» آنها همگی سجده کردند جز ابلیس که از جن بود. (کهف/50)

پس جنس ابلیس نیز، از آتش است یعنی غلبه با همان جنبه ناری است. اما فرشته و ملک جنسش از نور است.

در تعریف ملك گفته‌اند: «الملك جوهر نوري يتشكل باشكل مختلفة سوي الكلب و الخنزير». يعني؛ ملك و فرشته يك جوهر نوراني است كه قدرت دارد به اشكال مختلف درآيد يعني متمثل شود به اشكال و صورت هاي گوناگون به استثنای سگ و خوك. چون سگ و خوك، نجس‌العین هستند و فرشته از نور است لذا به این دو شكل در نمی‌آید اما به هر شكل دیگری كه در نظر بگیرید - به اقتضائات زمان و مكان و آنچه كه باید اقتضا كند - متشكل می‌شوند. مثل آنكه فرشته برای حضرت مریم (س) در شكل انسان متمثل شد. «فَاتَّخَذَتْ مِنْ دُونِهِمْ حِجَابًا فَأَرْسَلْنَا إِلَيْهَا رُوحَنَا فَتَمَثَّلَ لَهَا بَشَرًا سَوِيًّا»؛ و میان خود و آنان حجابی افكند (تا خلوتگاهش از هر نظر برای عبادت آماده باشد) در این هنگام، ما روح خود را به سوی او فرستادیم و او در شكل انسانی بی‌عیب و نقص، بر مریم ظاهر شد. (مریم/17) آن روح كه از جنس فرشته است به صورت يك بشر متمثل پیدا كرد. در رابطه با جن گفته‌اند: «الجنّ جوهرّ ناري، يتشكل باشكل مختلفة حتي الكلب و الخنزير» يعني؛ جن جوهری آتشی است كه به همه اشكال در می‌آید حتي به صورت سگ و خوك. و به خاطر همین جنبه ناري بودنش قابل انعطاف بوده و می‌تواند به همه گروه‌ها متمثل و تشكّل پیدا كند.

* شیطان یعنی چه؟

- به موجودی كه وسوسه كرده، شیطنت و مخالفت می‌كند و طغیانگر است شیطان می‌گوییم. پس شیاطین جن، گروهی از جن‌ها هستند كه شرارت و مخالفت كرده، طغیانگری می‌كنند. و به طور كلي، انسان‌ها هم اگر شیطنت و شرارت از آنها صادر شود و حق را با باطل بیامیزند و مردم را گمراه كنند، آنها نیز شیطان هستند و شیطان انس لقب می‌گیرند. قرآن کریم در این باره می‌فرماید: «وَكَذَلِكَ جَعَلْنَا لِكُلِّ نَبِيٍّ عَدُوًّا شَيَاطِينَ الْإِنْسِ وَالْجِنِّ يُوحِي بَعْضُهُمْ إِلَى بَعْضٍ زُخْرَفَ الْقَوْلِ غَرُورًا»؛ اینچنین در برابر هر پیامبری، دشمنی از شیاطین انس و جنّ قرار دادیم آنها به طور سرّی (و درگوشی) سخنان فریبنده و بی‌اساس (برای اغفال مردم) به یکدیگر می‌گفتند. (انعام/112)

* تا اینجا نتیجه این شد كه شیاطین جن، آن جن‌های بد و شرور و طغیانگر هستند، و از این نکته نتیجه می‌گیریم كه در گروه جن‌ها، خوب هم وجود دارد. درست است؟

- دقیقاً همین‌طور است. خدا رحمت كند علامه طباطبایی(ره) را كه ایشان می‌فرمود: میان جن‌ها، یا كافر داریم یا مؤمن شیعه. ایشان می‌فرمود آنهايي كه مؤمن و مسلمان هستند، حتماً شیعه هستند. علامه(ره) می‌فرمود: چون اینها در آن زمان، حقایق و وقایع را به خاطر عمر طولانی كه دارند دیده‌اند و کسانی كه از آن زمان تا به حال زنده مانده‌اند به دیگران، جریان غدیر خم و مانند آن را تعریف می‌كنند. جن‌های مؤمن، نیازی به كتاب‌های ما در اثبات ولایت امیرالمؤمنین علی(ع) ندارند، چون قضایا را دیده و با آنها مواجه شده‌اند و لذا جن‌هایی كه مسلمان شده‌اند؛ این قضیه را انكار نمی‌كنند.

* محل زندگی جن‌ها كجاست؟ آیا مثل انسان‌ها در کره زمین هست یا نه؟

- آنها ماده هستند و لذا در عالم ماده زندگی می‌كنند. البته عالم ماده، طبق معمول پایین و بالا دارد، و چون ناري هستند و حرارت‌ها به قسمت بالا صعود می‌كند، لذا آنها در بالای عالم ماده هستند. اما ما انسانها از خاك سرد و سنگین است لذا طرف پایین عالم ماده و در زمین هستیم. در روایات هم چنین چیزهایی وارد شده، به عنوان مثال برخی از روایات، مقداری را مشخص می‌كند كه جن‌ها در آنجا هستند و در متن آن روایات آمده كه اگر تا فلان جا بالا بروید، آنجا محل سكونت جن‌ها است.

* آیا جن‌ها مثل ما انسان‌ها مكلف هستند و در قیامت، حساب و كتاب دارند و بهشت و جهنم برای آنها نیز هست؟

- بله همه اینها از قرآن کریم استفاده می‌شود. به عنوان مثال به این آیه توجه كنید: «يَا مَعْشَرَ الْجِنِّ وَالْإِنْسِ أَلَمْ يَأْتِكُمْ رُسُلٌ مِنْكُمْ يَقُصُّونَ عَلَيْكُمْ آيَاتِي وَ يُنذِرُونَكُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا قَالُوا شَهِدْنَا عَلَى أَنْفُسِنَا وَ عَرَّيْنَاهُمْ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا وَ شَهِدُوا عَلَى أَنْفُسِهِمْ أَنَّهُمْ كَاثِرُونَ كَافِرِينَ» ((در آن روز به آنها می‌گوید: ای گروه جنّ و انس! آیا رسولانی از شما به سوی شما نیامدند كه آیات مرا برایتان بازگو می‌کردند، و شما را از ملاقات چنین روزی بیم می‌دادند؟! آنها می‌گویند: «بر ضدّ خودمان گواهی می‌دهیم (آری)، ما بد كردیم)) و زندگی (پر زرق و برق) دنیا آنها را فریب داد و به زیان خود گواهی می‌دهند كه كافر بودند) (انعام/130) كسی كه با قرآن، آشنا باشد این مسائل را تصدیق می‌كند.

* سؤال مهمی كه هست اینکه آیا انسان می‌تواند با جن و به خصوص با شیاطین جن ارتباط برقرار كند یا نه؟

– در پاسخ این سؤال به چند نکته لازم است اشاره شود:

نکته اول این است که ارتباط با جن و شیطان جني، هم امکان دارد و هم اتفاق افتاده است.

هم جن مي‌تواند با انسان ارتباط برقرار کند و هم انسان مي‌تواند با جن ارتباط برقرار کند. منتها این ارتباطات به دو شکل ممکن است صورت بگیرد: ارتباط صحیح و مورد تایید شرع مقدس و ارتباط نامشروع و غیر شرعی.

نکته دوم این است که اصل بر عدم ارتباط است. یعنی بالاخره ما در محدوده خودمان که انسان هستیم با انسان‌ها مرتبطیم و آنها که جن هستند در محدوده خودشان با جن‌ها مرتبطند و شرعاً مجاز نیستند که با ما ارتباط برقرار کنند و ما را تحت سلطه خودشان قرار دهند.

در قرآن کریم آیهای وجود دارد که به نکته ظریفی اشاره می‌کند: «وَيَوْمَ يُخْشَرُهُمْ جَمِيعًا يَا مَعْشَرَ الْجِنَّ قَدِ اسْتَكْتَرْتُمْ مِنَ الْإِنْسِ وَ قَالُوا لِيَاؤُهُمْ مِنَ الْإِنْسِ رَبَّنَا اسْتَمْتَعَ بَعْضُنَا بِبَعْضٍ وَ بَلَّغْنَا أَجَلَنَا الَّذِي أَجَلْتَ لَنَا قَالَ النَّارُ مُتَوَاكُمُ خَالِدِينَ فِيهَا إِلَّا مَا شَاءَ اللَّهُ إِنَّ رَبَّكَ حَكِيمٌ عَلِيمٌ؛ در آن روز که (خدا) همه آنها را جمع و محشور می‌سازد، (می‌گوید): ای جمعیت جن! شما افراد زیادی از انسان‌ها را گمراه ساختید و آنها را به خدمت گرفتید و بهره‌کشی کردید! دوستان و پیروان آنها از میان انسانها می‌گویند: «پروردگارا! هر يك از ما دو گروه [پیشوایان و پیروان گمراه] از دیگری استفاده کردیم (ما به لذات هوس آلود و زودگذر رسیدیم و آنها بر ما حکومت کردند) و به اجلی که برای ما مقرر داشته بودی رسیدیم. (خداوند) می‌گوید: «آتش جایگاه شماسست جاودانه در آن خواهید ماند، مگر آنچه خدا بخواهد» پروردگار تو حکیم و داناست. (انعام/128)

خدای تبارک و تعالی به «جن» خطاب می‌کند که «استکثرت من الانس» شما انسان را گمراه کرده و به خدمت گرفتید. علامه طباطبایی این را به معنای به «استخدام درآوردن زیاد» می‌داند، یعنی تحت تصرف قرار دادن و از انسان، کار کشیدن. یعنی ای گروه جن، شما از انسان‌ها بهره‌کشی زیادی کردید، این می‌شود حرام و از لحاظ شرعی آنها ممنوع هستند که از ما بهره‌کشی کنند.

برای ما انسان‌ها هم ممنوعیت شرعی وجود دارد که از آنها بهره‌کشی کنیم، یعنی جن‌ها را بدون رضایتشان تحت سلطه و سیطره خود بگیریم و از اقتضائات آنها استفاده کنیم. این اصل و قاعده اولیه است.

نکته سوم این است که گاهی در برخی از موارد، این اصل عدم ارتباط و بهره‌کشی، استثنا می‌خورد، مثلاً يك وليّ خدا، به خاطر ولایتی که بر همه موجودات عالم و از جمله جن دارد، می‌تواند با توجه به مصالح و مواردی که پیش می‌آید از آنها بهره بگیرد و استفاده مشروع و صحیح کند. مثل آنچه که حضرت سلیمان (ع) انجام داد و جن‌ها را برای نقل اشیاء ثقیل و بنای بناهای عظیم استخدام کرد و اقتدارهای فوق العاده که در اختیار جن‌ها قرار داشت به خدمت گرفت و کارهای عظیم و عمده ای انجام داد.

به عنوان نمونه از قرآن کریم، به دو آیه در این باره اشاره می‌کنم: قرآن می‌فرماید: «وَ حُشِرَ لِسُلَيْمَانَ جُنُودُهُ مِنَ الْجِنَّ وَ الْإِنْسِ وَ الطَّيْرِ فَهُمْ يُوزَعُونَ» (لشکریان سلیمان، از جن و انس و پرندگان، نزد او جمع شدند آن قدر زیاد بودند که باید توقف می‌کردند تا به هم ملحق شوند) (نمل/17)

و می‌فرماید: «... وَ مِنَ الْجِنَّ مَنْ يَعْمَلُ بَيْنَ يَدَيْهِ بِإِذْنِ رَبِّهِ ...» (و برای سلیمان) گروهی از جن پیش روی او به اذن پروردگار کار می‌کردند...). (سبا/12)

نوع جن، از نظر ارزش و شرافت در مقایسه با نوع انسان، در رتبه پایین قرار دارد. آنچه را که ما نسبت به استخدام انسان کامل و ولی خدا، نسبت به جن گفتیم و جنبه شرعی به آن دادیم، چنین چیزی در میان جن نمی‌تواند وجود داشته باشد. یعنی آنها نمی‌توانند به نحو مشروع از ما انسان‌ها کار بکشند و اگر این کار را کردند دچار عذاب و عقاب الهی خواهند شد. از این جهت میان مآخذ و مصادر به صورت مشروع و مجاز وارد نشده که جتنی با ولایت الهیه، انسانی را به تصرف خود در آورده و در راستای کارهای خود، انسان را به کار گیرد.

اما انسان کامل و ولیّ خدا، می‌تواند با توجه به مسائل و موارد مخصوص از آنها استفاده کند، البته استفاده مجاز و شرعی نه استفاده غیر مجاز و غیر شرعی.

نکته چهارم این است که متأسفانه استفاده‌های غیر مجاز و غیر شرعی در هر دو گروه بوده و هست، یعنی هم انسانهای فاسق و حتی کافر می‌توانند با يك سري کارها، جن‌ها را به استخدام خود در آورند و هم آنها با فسق و فجوري که دارند ممکن است این تجاوز به حدود الهی را داشته باشند و افرادی از انسان را به استخدام خود در آورند و کارهایی را از انسانها بخواهند.

احمد امین در کتاب «التکامل في الاسلام»، بحثی تحت عنوان سلوك شیطاني و رحمانی دارد. در قسمت سلوك شیطاني می‌گوید: برخی از افراد انسانی با توجه به برخی از کارهایی که انجام می‌دهند به استخدام جن در می‌آیند و بالعکس، جن را به استخدام خودشان در می‌آورند. آنها در مسیر اهداف خودشان اینها را به کار می‌گیرند و اینها هم در مسیر اهداف خود، آنها را به کار می‌گیرند. یعنی يك نوع بده بستانی در این میان برخی از انسانها و جن‌ها وجود دارد.

در نجف، آدمی بود که خیلی از نظر ظاهری، شخص ژولیده و کثیفی بود، بی‌تعهد و بی‌قید بود. با همه این حرف‌ها آدم عجیبی بود و کارهای عجیب و غریبی انجام می‌داد.

برای خیلی از آقایان جای سؤال بود که این آدم کثیف و بی‌قید و بند، چگونه این کارهای عجیب و غریب را انجام می‌دهد. بعد از مدتی تحقیق در این باره دیدند که وی از شهر نجف خارج می‌شود و به تپه‌ای اشراف پیدا می‌کند و چیزهای بدی به مولای عالمیان امام علی(ع) می‌گوید. بعدها که پی بردند آدم خبیثی است، او را گرفتند و شروع کردند به محاکمه و پرس‌وجو کردن که اینها چی هست؟ و از کجا این‌ها را داری؟ متوجه شدند که وی، به برخی از شیاطین جن، تعهد دارد، تعهدش این است که حرفه‌ای زشتی به

امام امیرالمومنین علی (ع) بزند و در عوض، آنها هم در برابر این ناسزاها، تعهد دارند که يك سري از اختیاراتي که دارند به این آقا واگذار کنند. این می شود سلوک شیطاني.

* آیا جن ها و به خصوص شیاطین جن می توانند از آینده خبر بدهند؟

– در برخی از موارد، بله می توانند، به عنوان مثال، اخبار دم دستی که مربوط به همین عالم مادی است را می توانند بفهمند و خبر دهند. مثلاً فلانی بیست روز دیگر از سفر بر می گردد، فلان شخص دزدی کرده است، فلانی در انتخابات چنین می شود، بچه فلان زن، دختر می شود و مانند آن.

* آیا جن ها در این ارتباط، دروغ هم می گویند؟ چون شیاطین جن، در خیلی از چیزها تمرد و طغیان کرده اند، لذا طبق قاعده می توانند در اینگونه امور هم دروغ بگویند، و اصولاً نباید به حرفهای آنان اعتماد کرد. آیا این حرف، درست است؟

– من امکانش را نفی نمی کنم اما چون در راستای تعهد دو طرفه، این کارها را انجام می دهند لذا اصل در راستگویی است. چرا که بالاخره در مقابل هر سخنی، چیزی می گیرند و به خاطر این که آن چیزی را که می گیرند، استمرار داشته باشد و خوب و کامل بگیرند و از دست ندهند، به طور معمول در کار و تعهد خود کوتاهی نمی کنند.

* اگر کسی ادعا کند که من ولی خدا هستم و با جن و شیطان مرتبطم و به خاطر ولایت الهی ام از آنها مطلب می گیرم و استفاده می کنم. تکلیف چیست؟

– کدام ولی خدا، خود را ولی خدا معرفی می کند؟ اتفاقاً ولی خدا، خود را کوچکترین و کمترین انسانها می بیند و برای خود، جایگاهی نمی داند چه برسد به اینکه بیاید و بگوید من از اولیاء الله هستم. ضمن اینکه ارتباط با جن در شرع مقدس اولاً و بالذات ممنوع و حرام است و جز در موارد استثنایی که در فقه بیان می شود جایز نمی باشد.

هر کس با شیاطین جن، ارتباط پیدا کند، باید با آنها سنخیت پیدا کند و در مقابل کارهایی که به وسیله آنها انجام می دهد، کارهایی را به نفع شیاطین انجام دهد لذا چنین شخصی آدم خبیثی است.

این آیه را ببینید: 171#& وَ أَتَىٰكَ مِنَ الْإِنسِ يَعُوذُونَ بِرِجَالٍ مِّنَ الْجِنِّ فَزَادُوهُمْ رَهَقًا (و اینکه مردانی از بشر به مردانی از جن پناه می بردند، و آنها سبب افزایش گمراهی و طغیانشان می شدند) (جن/6)

آنچه که رسانه ای می شود قطعاً از نوع ارتباط مجاز و شرعی نیست و آن چیزی که شرعی و مجاز است رسانه ای نمی شود، رسمیت پیدا نمی کند، اعلام نمی شود، به صورت استثنایی و در موارد جواز فقهی است که توسط ولی واقعی خدا صورت می گیرد و لذا ما مکلفیم که اینگونه امور را که در جامعه باب شده به عنوان يك کار منهي، نادرست، مذموم و غیر شرعی معرفی کنیم.

در پایان به مردم شریف عرض می کنم که فریب برخی از شیادان و فریب کاران را نخورند و در همه مسائل دینی تنها به عالمان الهی و ربانی اعتماد کنند تا دچار مشکلات نشوند.

و اگر خدای نکرده، کسی واقعاً دچار مشکلاتی در این زمینه ها شده، برای حل مشکلش به عالم ربانی که در این مسائل، دانا و توانا بوده و مورد تایید علمای ربانی دیگر است مراجعه کند و به هیچ عنوان به فرد دیگر مراجعه نکند که مشکلش دو چندان می شود. به تعبیر دیگر اگر چنین عالمی را پیدا کرد، باید از او یاری بجوید وگرنه تا زمانی که به چنین عالمی دسترسی پیدا نکرده، دنبال مدعیان نرود که مشکلش، بیشتر می شود.